

ابن عمرو تهمانی، ابو عبدالله محمد (د ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م)، فقیه مالکی، ادیب، لغت‌شناس، خطیب و شاعر مغربی. بنای بزرگش عمرو بن قاسم اوسی، فقیهی صالح و از اندلسیانی بود که پس از سقوط اندلس، در دوران حکومت سعدیان (۸۷۶ - ۱۰۵۶ ق / ۱۴۷۱ - ۱۶۴۶ م) به رباط مهاجرت کردند (مراکشی، ۲۱۵/۵؛ صدیق، ۱۳۷) و چون از نسل اوس و منسوب به سعد بن معاذ انصاری بودند، «تهمانی»، «اوسی» و «احیاناً «انصاری» نیز خوانده می‌شدند (نک: مراکشی، همانجا؛ قس: کتانی، EI², S: ۲۷۹/۱؛ سمعانی، ۳۸۹/۱). ابن عمرو، بنا به قول خود او، در رباط به دنیا آمد و در همانجا پرورش یافت (مراکشی، ۲۱۸/۵؛ قس: کتانی، همانجا).

وی علوم معقول و منقول را در محضر علمای رباط، سلا و فاس فراگرفت و هنوز جوان بود که در پرتو هوش و ذکاوت خویش، در علم و ادب سرآمد اقران گردید (نک: مراکشی، ۲۲۱/۵، به نقل از اتحاف). اما چون در رباط ارزش دانش وی را نشناختند (نک: کتانی، ۲۸۱/۱)، در ۱۲۲۴ ق به مراکش رفت و در آنجا به تدریس و افتاء و اقامه نماز جمعه مشغول شد و دانش‌پژوهان از هر سوی مغرب به حوزه درس او روی آوردند (مراکشی، ۲۱۶/۵ - ۲۱۷). ابن عمرو پس از آنکه مدتی (بالغ بر ۱۰ سال) در مراکش ماند، عازم مصر و حجاز شد و ۴ سال نیز در آن دیار به سر برد (همو، ۲۲۳، به نقل از اتحاف؛ قس: کتانی، ۲۸۰/۱). در این سفر محمد بن عیسی سلوی فقیه که در اجازات ابن عمرو همه جانامش آمده است، وی را همراهی می‌کرد (همو، ۲۸۱/۱؛ نیز نک: مراکشی، همانجا). ابن عمرو در مراجعت از سفر مشرق بار دیگر از مراکش گذشت و به رباط بازگشت (همو، ۲۱۷/۵). از آنجا که در ۱۲۳۸ ق در شهر فاس بوده است (نک: سلاوی، ۴/۹؛ قس: مراکشی، همانجا)، به نظر می‌رسد که وی نزدیک به دو دهه از پر ثمرترین سالهای خود را در خارج از زادگاه خویش سپری کرده باشد.

ابن عمرو فقیهی زاهد و ادیبی وارسته، در زندگی سخت‌کوش و در معاشرت با مردم نیک محضر بود. روی خوش داشت و با تهیدستان مهربانی می‌کرد (مراکشی، ۲۱۶/۵). فرزندان و نزدیکانش نیز اهل علم و ادب بودند (نک: کتانی، ۲۸۰/۱). وی از سوی مادر به سادات حسنی منتسب بود (مراکشی، ۲۱۵/۵). عبور وی از فاس، به هنگام مراجعت از سفر مشرق، با درگذشت سلیمان بن محمد (حک ۱۲۰۷ - ۱۲۳۸ ق) مقارن بود، و در مراسمی که با حضور جمع کثیری از علما و اعیان و رجال مغرب برگزار شد (نک: سلاوی، همانجا)، بیعت‌نامه سلطان عبدالرحمن بن هشام (حک ۱۲۳۸ - ۱۲۷۶ ق) به دستخط ابن عمرو تحریر شد (مراکشی، ۲۱۷/۵). با اینهمه وی از قبول مناصب دولتی اکراه داشت. چنانکه مدتی به نیابت از استادش ابوالعباس جگمی، قاضی رباط شد و مدتی هم به نیابت از قاضی دیگری، به امر قضا مشغول گردید، اما پس از درگذشت استادش از پذیرفتن این منصب سرباز زد (مراکشی، همانجا). وی بیشتر به مطالعه و بحث و تدریس می‌پرداخت (نک: همو، ۲۱۶/۵). به همین دلیل، چیزی جز یک دیوان

می‌گفت (حنفاوی، ۹۱/۱؛ سعدالله، ۳۰۵/۲ - ۳۰۶).

ابن عمار در ۱۱۹۵ ق / ۱۷۸۱ م به قصد توطن و اقامت در تونس بدانجا رفت، اما حضور وی در آنجا دیری نپایید و در سالهای آغازین قرن ۱۳ ق / ۱۹ م، به دلایلی که روشن نیست، از تونس عزیمت کرد و گویا به مشرق رفت. وی در دوره اقامتش در تونس کتاب تاریخ خود را در سیره علی بای پاشا بن حسن تألیف کرد (همو، ۲۹۷/۱، ۳۷۷/۲ - ۳۷۸).

آثار: ۱. نحلة اللیب باخبار الرحلة الی الحیب. این اثر به نام رحله نیز معروف است. مقدمه آن در ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م در الجزیره به چاپ رسیده که در آن ابن عمار به وصف علاقه و اشتیاق خود به حرمین شریفین و رسول اکرم (ص) پرداخته است. اشعار موشح مولدی و مدایح رسول اکرم (ص) نیز در آن فراوان است. قسمتهای دیگر این اثر از بین رفته است. ۲. اجازة لمحمد خلیل المرادی، که سعدالله متن این اجازة را در مجله الثقافة (۱۹۷۸ م، شمه ۴۵) به چاپ رسانیده است. ۳. رساله فی مسألة وقف، که همراه رساله الرد علی الوهابیة از اسماعیل تیمی در تونس چاپ شده است.

آثار منسوب: علاوه بر آثار مذکور، این آثار نیز به او نسبت داده شده است: ۱. لواء النصر فی فضلاء العصر. وی آن را در شرح زندگی رجال علم و ادب و قضا و شعر نوشته که شرح حال رجال زمان وی و یک قرن قبل از آن است (سعدالله، ۳۷۱/۲؛ GAL, S, II, 689). ۲. منتخب الاسانید یا مقالید الاسانید. این اثر ثبت ابن عمار است که شاگردش ابراهیم بن عبدالله سیاله آن را گردآوری کرده و کتانی نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته است (کتانی، ۵۹۰/۲). ۳. رساله فی الطريقة الخلوتیة، که کتانی به او نسبت داده است (نک: حاج صادق، 290). ۴. دیوان، که ابن عمار خود در ضمن دیباچه رحله‌اش به آن اشاره دارد و در آن موشحات و قصایدی در مدح حضرت رسول (ص) و اشعاری دیگر آورده است (حنفاوی، ۹۱/۱). ۵. حاشیة علی الخفاجی (در ادبیات)، که شاگردش ابوراس الناصر در کتاب خود فتح الاله از آن یاد کرده است (سعد الله، ۲۴۰/۲). ۶. حاشیة علی صحیح البخاری، که ابن ابی شنب از آن یاد کرده است (نک: همو، ۳۱/۲). ۷. وی همچنین بر کتاب الدرر علی المختصر ابن حمادوش در منطق تقریظی داشته است (همو، ۱۹۰/۲).

ماخذ: حنفاوی، ابوالقاسم محمد، تعريف الخلف برجال السلف، تونس، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ سعدالله، ابوالقاسم، تاريخ الجزائر الثقانی، الجزائر، ۱۹۸۵ م؛ کتانی، عبدالحی، فهرس الفهارس و الابیات به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م؛ نیز: GAL, S; Hadj - Sadok, M., "Le Mawlid d'après le mufti - poète d'Alger Ibn, 'Ammār", Mélanges Louis Massignou, Damascus, 1957. فرامرز حاج منوچهری

ابن عمرو، نک: شهاب‌الدین دولت‌آبادی.

ابن عمرو، نک: عبدالله بن عمر.

ابن عمرو، جزیره، نک: جزیره ابن عمر.

traditional in nature, as are its maxims and sayings, though these are sometimes different, it is true, from those which the present author of this article has gathered together. One peculiarity worth mentioning is the indicating of the star or asterism which passes to the meridian at sunset, midnight and the time of the morning prayer. Altogether, this little treatise on popular astronomy and meteorology, although chronologically quite late and marred by numerous errors, has a very honourable place in the series of *kutub al-anwāʾ*.

Bibliography: In addition to the sources mentioned in the article, see 'Izzat Ḥasan's introd. to his edition; Ḥādīdjī Khalīfa, v, 54; Ziriklī, *A'lam*, i, 25; Bustānī, *DM*, ii, 328.

(CH. PELLAT)

X **IBN AL-AKFĀNĪ** (a *nisba* referring to the seller of shrouds, *akfān*), cf. al-Samʿānī, *K. al-Ansāb*, f. 47b). Several persons were known by this name, amongst which three deserve some mention.

⊖ 1. AL-KĀPĪ ABŪ MUḤAMMAD ʿABD ALLĀH B. MUḤAMMAD B. ʿAbd Allāh b. Ibrāhīm b. ʿAbd Allāh b. al-Ḥusayn b. ʿAlī b. Djaʿfar b. ʿĀmir b. AL-AKFĀNĪ AL-ʿASADĪ, jurist. Born in 316/928, and dying in 405/1014 in Baghdād, he was *kādi* in al-Madīna, then in Bāb al-Ṭāq, then in Sūkh al-Thulāthāʾ (both in Baghdād), and from 396/1005-6 *kādi* for the whole of Baghdād. He was weak in relating traditions, but a liberal patron to traditionalists (cf. al-Khaṭīb al-Baghdādī, *Taʾrikh Baghdād*, x, 141-2, no. 5284).

X 2. HIBAT ALLĀH B. AḤMAD b. Muḥammad al-Anṣārī al-Dimashqī, ABŪ MUḤAMMAD AL-AKFĀNĪ, historian, who died in 524/1129 as an octogenarian in Damascus was the author of biographical works: *Djāmiʿ al-wafayāt* (now lost), and *Tatimmat Taʾrikh Dārāyāt wa-tasmiyāt man ḥaddatha min ahlihā* (cf. Ṣ. al-Munadjjid, *Muʿdjam al-muʾarrikhin al-Dimashkiyyin*..., Beirut 1978, 31-2, and the sources quoted there, especially Ibn al-ʿImād, *Shadharāt*, iv, 73, and also Makkarī, *Nafḥ al-ṭib*, ed. Dozy *et alii*, i, 562).

X 3. MUḤAMMAD B. IBRĀHĪM b. Sāʿid, Shams al-Dīn Abū ʿAbd Allāh al-Anṣārī, known as IBN AL-AKFĀNĪ, physician and encyclopaedist. Born in Sindjār, he died in 749/1348 in Cairo of the plague. A scholar of many talents, he was employed in al-Bimāristān al-Manṣūrī (see BĪMĀRISTĀN) in Cairo in an influential position, and wrote many books and treatises. A contemporary account on him is given by al-Ṣafadī in *al-Wāfi bi ʿl-wafayāt*, ii, 25-7, and in his *Aʿyān al-ʿaṣr* (ms. Atif Efendi 1809, s.v., a very exaggerated biography full of laudatory remarks); and letters by Ibn al-Akfānī are quoted in al-Ṣafadī's *Alḥān al-sawādjiʿ* (ms. Berlin, cat. Ahlwardt, 8631, iii, 33a ff.). Other biographical accounts (Ibn Ḥadjar, *Durar*, iii, 279-80; al-Makrīzī, *al-Mukaffā*, ms. Leiden Or. 1366a, ff. 38b-40a; al-Shawkānī, *al-Badr al-ṭāliʿ*, ii, 79-80; al-Ziriklī, *al-Aʿlām*, vi, 189) are all, directly or indirectly, derived from al-Ṣafadī's account.

Some 22 books or treatises by Ibn al-Akfānī are known to have existed, more than half of these being concerned with medicine and related sciences. Others treat of logic, *tafsīr*, *firāsa* [see AFLĪMŪN], astronomy, the *arbaʿīn*, mathematics and gemmology. None of these is remarkable for great originality. Ibn al-Akfānī's fame rests mainly on his encyclopaedia *Irshād al-kāsid ilā asnā al-makāsid*. In this he deals with 60 sciences, along the lines of al-Fārābī's *Iḥṣāʾ al-ʿulūm*. After two introductory chapters on education in general and the division of the

sciences, Ibn al-Akfānī treats of *al-adab* (10 subdivisions), *al-manṭiq* (9 subdivisions), *al-ilāhi* (9 subdivisions, with heresiology), *al-ṭabīʿi* (10 subdivisions), *al-handasa* (10 subdivisions), *al-hayʾa* (5 subdivisions), *al-ʿadad* (7 subdivisions, the last of which is *al-mūsikā*). Added to these are *al-siyāsa*, *al-ahklāk*, and *tadbīr al-manzil*, comprising the practical sciences (*al-ʿulūm al-ʿamaliyya*). All sections have a bibliography. The book concludes with a short list of philosophical terms and their definitions. The *Irshād al-kāsid* stood as a model for the *Miftāh al-saʿāda* by Ṭāsh-köprüzāda [q.v.], as can be seen easily from the table of contents of both works and from the arrangement of the material in the sections.

Bibliography: in addition to references given in the article, note that there are some 40 mss. of the *Irshād al-kāsid*, dispersed in libraries from Rabat to Rampur. Editions: A. Sprenger, Calcutta 1849, and Maḥmūd Abu ʿl-Naṣr, Cairo 1900 (both unsatisfactory). For a survey of the life, works and influence of Ibn al-Akfānī, see the introduction of the forthcoming edition of *Irshād al-kāsid* by J. J. Witkam; the work was an important source for E. Wiedemann, the historian of Arabic science, cf. his *Aufsätze zur arabischen Wissenschaftsgeschichte*, ed. W. Fischer, Hildesheim 1970, index s.v. Afkānī. The chapter on music was published and translated by A. Shiloah, in *Yuval*, i (1968), 221-48. See also Brockelmann, II³, 171, S II, 169-70. (J. J. WITKAM)

⊖ **IBN ʿAMR AL-RIBĀṬĪ**, ABŪ ʿABD ALLĀH MUḤAMMAD B. MUḤAMMAD B. ʿAMR AL-ANṢĀRĪ, Moroccan poet and *faḥīh*, of Andalusian origin, who was born at Rabat, fulfilled the office of *kādi* for some time, and from 1224/1809 taught at Marrākush. Whilst making the Pilgrimage, he stopped at Tunis, and received there some *idjāzas*; he died in the *Hiǧāz* on 10 Rabīʿ I 1243/1 October 1827.

Ibn ʿAmr was neither a great *faḥīh* nor a great poet. His works, which include in particular a *diwān*, a *fahrasa* and a *riḥla*, have not been preserved *in toto*, and his fame rests essentially on an imitation of the *Shamaḥmaḥiyya* of Ibn al-Wannān [q.v.], a *ḥāfiyya* known by the name of *al-ʿAmriyya* which enjoyed a celebrity mainly because of the religious sentiments expressed in the last verses. In this *ḥāsida*, of classical mould, the author piles up rare words of the type that one can often describe as *ḥūshī* [see ḤŪSH] and resorts to rhetorical devices in order to arrive at a eulogy of the Prophet who, according to tradition, had supposedly cured him of gout.

Bibliography: Marrākushī, *al-ʿlām bi-man ḥalla Marrākūsh*, no. 509; Kattānī, *Fihris al-fahāris*, Fās 1346/1927, i, 202-5; Sāʿih, *al-Muntakhabāt al-ʿabkariyya*, Rabat 1920, 95-100; M. Lakhdar, *Vie littéraire*, 306-9, and bibliography cited. (ED.)

⊖ **IBN ʿASKAR**, MUḤAMMAD B. ʿALĪ B. ḤAḌIR B. HĀRŪN AL-GḤASSĀNĪ, an Andalusian *faḥīh*, philologist, poet and man of letters, who wrote a history of Málaga. Born in a village near this important sea-port ca. 584/1188-9, he was later to hold high judicial office there. Between 626/1229 and 631/1234 he served as deputy of Ibn Hūd's [see HŪDĪDS] *kādi*, Abū ʿAbd Allāh b. al-Ḥasan al-Judhamī. In 635/1238 he was appointed *kādi* of Naṣrid Málaga by Muḥammad I, and he continued in that office until his death on 4 *Djūnādā* 11 636/12 January 1239. As a young man Ibn ʿAskar was a pupil of Abū ʿl-Ḥādīdjīdjī b. al-Shaykh (d. 604/1207), author of the *K. alif bāʾ*, to which M. Asin Palacios